



فرشاد مومنی نسبت به تداوم تصمیمات غلط
هشدار داد

سیاست‌های کلان اقتصادی پایان آزمون و خطا

صفحه ۲

«تعادل» روند معاملات بازار سهام را بررسی می‌کند

خروج بازار از کمای معاملاتی

۲



گفت‌وگوی پزشکیان با فاکس نیوز تند و تیز ترین شبکه آمریکایی:

دیپلماسی عمومی رییس جمهور

تا آخرین لحظه مقاومت می‌کنیم

۲

یادداشت - ۱

سیگنال‌های نیویورک و تنفس روانی اقتصاد ایران



علی بیگدلی

حضور مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و رویکرد چندوجهی دستگاه دیپلماسی ایران، نشانه‌هایی آشکار از بازآرایی تاکتیکی و

چارخ‌ش به سوی واقع‌گرایی و رئالیسم سیاسی را در معرض قضاوت جهانیان قرار داد. طرح ابتکارات ملموس فنی نظیر آمادگی برای رقیق‌سازی اورانیوم ۰ کدرصدی و بهره‌گیری هوشمندانه از تریبون رسانه‌های متمایل به محافظه‌کاران امریکایی (مثل فاکس‌نیوز)، همراه با پاسخی قاطع به لفاظی‌های واشنگتن در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بیانگر تلاشی سنجیده از سوی دولت چهاردهم برای خروج از بن‌بست و همگرایی میان میدان و دیپلماسی است.

با این حال، دستیابی به نتایج ملموس اقتصادی و بین‌المللی از این رهگذر، مشروط به شنیده شدن صدای واحد از درون کشور، حفظ انسجام نهادهای تصمیم‌گیر و پرهیز از تکرار خطاهای تاریخی در نادیده گرفتن پنجره‌های طلایی مذاکره و تعامل است.

بر این اساس سخنرانی مسعود پزشکیان در صحن مجمع عمومی سازمان ملل متحد، واجد دومولفه اساسی و تفکیک‌ناپذیر بود: اول «همایش اقتدار بازدارنده» و بعد «ارایه ابتکار عمل برای گشایش دیپلماتیک». در شرایطی که فضای پیرامونی این سفر متأثر از مواضع تند اردوگاه محافظه‌کاران امریکایی و چهره‌هایی چون دونالد ترامپ شکل گرفته بود، رییس‌جمهوری ایران با درایتی مشهود کوشید تا از موضعی مستحکم، پاسخ‌گویی‌ها را داده و چارچوب‌های حقوقی و امنیتی کشور را تبیین کند. این ورود مقتدرانه در صحن علنی، نه یک لفاظی تقابلی، بلکه بستر سازی هوشمندانه‌ای بود تا پیام دوم تهران در دیدارهای حاشیه‌ای، دیپلماسی عمومی و تعامل با رسانه‌های بین‌المللی و فعالان اقتصادی باورنی مضاعف شنیده شود.

یکی از برجسته‌ترین نشانه‌های این تحرک تازه، طرح رسمی ایده رقیق‌سازی اورانیوم ۶۰درصدی است. موضوعی که تا پیش از این به صورتی نامنسجم مطرح می‌شد، اما اعلام آن در تریبون نیویورک به کانون توجه تحلیل‌گران و محافل سیاسی تبدیل شد. همزمانی این سیگنال فنی با مصاحبه هدمند رییس‌جمهوری با شبکه فاکس‌نیوز، یک ظرف‌ات ارتباطی را آشکار کرد. انتخاب رسانه‌ای که خاستگاه فکری جمهوری خواهان و تریبون اصلی ترامپ است، نشان داد تهران آن بار به اتاق بکه مسیرهای سنتی یا موضع انفعال، کانون اصلی تولید فشار در امریکا را هدف قرار داده تا بهانه مسدودسازی مسیر گفت‌وگو را سلب کند. بازتاب‌های این اقدام و درنگ معنادار کاخ سفید برای ارزیابی دستاوردهای این سفر، افاقه‌ای تازه را بر پیش‌روی مذاکرات احتمالی قرار داده است. در امتداد این مانور، مواضع و پیام‌های سید عباس عراقچی نیز تأکیدی بر چرخش دستگاه سیاست خارجی به سمت عقلانیت سیاسی و انعطاف‌پذیری کارکردی است. واقعیت آن است که سیاست خارجی پویا همواره از دوروی سکه بهره می‌برد:

نخست قدرت نظامی و دوم دیپلماسی. میدان بدون تکیه بر میز مذاکره قادر به حل چالش‌های ساختاری و کاهش بار کمرشکن تحریم‌ها نخواهد بود، همان‌طور که دیپلماسی فاقد پشتوانه بازدارندگی در بزنگاه‌های تاریخی این دورویکرد نشان داد که دولت‌بانهایی واقع‌بینانه به دنبال رفع موانع معیشتی مردم از مسیر تعامل عزم‌تندانه است. نکته حائز اهمیت و امیدبخش، واکنش‌های مثبت در صحنه داخلی و سکوت تأیید‌آمیز نهادهای نظامی و ارکان تصمیم‌سازی است. این گزاره روشن می‌کند که، رییس‌جمهوری نه در قامت یک کششگر منفرد، بلکه با پشتوانه رضایت و هماهنگی کلان حاکمیتی به نیویورک رفته است.

برای درک ارزش این اجماع، باید به درس‌های تاریخی توجه کرد. تجارب دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که ساختار سیاسی کشور عموماً ناسازگاری ریشه‌داری با دیپلماسی داشته و در برخی برهه‌های حساس همواره وزن مطلق به «همیان» داده شده است. بارزترین نمونه آن جنگ ۸ساله ایران و عراق بود که باوجود فرصت‌های متعدد بین‌المللی، میانجیگری‌های منطقه‌ای و پیشنهادات سنگین مالی، غلبه نگاه‌های فردی و غفلت از ابزار مذاکره سبب شد تا سال‌ها ویرانی هزینه‌ای مورد برملت تحمیل شود. امروز به نظر می‌رسد ادبیات فشارهای اقتصادی و تنگنای معیشتی، نخبگان سیاسی را به این درک رسانده که هیچ گزیری جز پذیرش واقعیت‌های دیپلماتیک وجود ندارد. در منازعات فرسایشی مدرن، مفهوم پیروزی نظامی مطلق دیگر معنادار و این مذاکره است که دستاوردهای پایدار را تثبیت می‌کند. اگر رویکرد اخیر در نیویورک سرآغازی بر پذیرش همیشگی عقلانیت و صدور کارت سبز دایمی برای دیپلمات‌ها باشد، می‌توان امیدوار بود که با حفظ انسجام در داخل و انعطاف در خارج، مسیری بنیادین برای گره‌گشایی از اقتصاد کشور و صیانت از منافع ملی باشد.

ادامه در صفحه ۳

یادداشت - ۲



بهمن فلاح

بازار سرمایه در شرایطی قرار گرفته است که متغیرهای اقتصادی و سیاسی بیش از گذشته بر مسیر معاملات اثرگذار هستند. در این میان، تحریم‌ها یکی از مهم‌ترین متغیرهایی است که می‌تواند از مسیرهای مختلف بر اقتصاد کشور و در نهایت بر بازارهای مالی اثر بگذارد.

با این حال، بررسی سازوکار اثرگذاری تحریم‌ها بر بورس نشان می‌دهد که نمی‌توان صرفاً با تکیه بر افزایش ریسک‌های اقتصادی، آینده بازار سهام را منفی ارزیابی کرد، چراکه واکنش شرکت‌های بورسی به شرایط تحریمی با یکدیگر متفاوت است و حتی در برخی صنایع، تحریم‌ها می‌تواند زمینه‌ساز افزایش تولید و سودآوری شود.

در نگاه نخست، مهم‌ترین اثر اقتصادی تحریم‌ها کاهش درآمدهای ارزی کشور و محدود شدن دسترسی اقتصاد به منابع خارجی است. کاهش درآمدهای ارزی می‌تواند انتظارات تورمی را افزایش دهد و در چنین شرایطی معمولاً بازارهای مانند ارز و طلا که در اقتصاد ایران به عنوان دارایی‌های پوشش‌دهنده تورم شناخته می‌شوند، مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرند. بنابراین بخشی از اثر تحریم‌ها ممکن است ابتدا در بازارهای موازی و به‌ویژه بازار ارز و طلا نمایان شود.

اما بازار سهام با سازوکار متفاوتی فعالیت می‌کند. آنچه در نهایت ارزش‌گذاری یک شرکت بورسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، عملکرد عملیاتی آن شرکت، میزان تولید، مقدار فروش، درآمدهای

حاصل از فروش محصولات و در نهایت سودآوری است. به همین دلیل، برای بررسی اثر تحریم‌ها بر بورس نمی‌توان تنها به متغیرهای سیاسی و اقتصادی نگاه کرد و باید وضعیت واقعی شرکت‌ها و گزارش‌های منتشر شده آنها را نیز مورد توجه قرار داد.

بررسی عملکرد بسیاری از شرکت‌های بورسی نشان می‌دهد که تولید و فروش شرکت‌ها همچنان در مسیر قابل قبولی قرار دارد و شرکت‌های صادرات‌محور نیز با وجود محدودیت‌های ناشی از تحریم، به فعالیت صادراتی خود ادامه می‌دهند. نکته مهم در این میان آن است که فعالیت صادراتی شرکت‌های ایرانی در شرایط تحریمی موضوع تازده‌ای نیست. بسیاری از شرکت‌های بزرگ صادراتی کشور طی چند دهه گذشته در همین فضای محدودیت و تحریم فعالیت و برای ادامه صادرات، سازوکارهای لازم را ایجاد کرده‌اند.

از این منظر نمی‌توان اثر تحریم بر شرکت‌های صادراتی را صرفاً به معنای توقف فعالیت یا کاهش درآمد آنها دانست. البته محدودیت‌های صادراتی، هزینه‌های مبادله و دشواری‌های نقل‌وانتقال پول همچنان می‌تواند بر عملکرد این شرکت‌ها اثرگذار باشد، اما در طرف دیگر، افزایش نرخ ارز می‌تواند ارزش ریالی درآمدهای صادراتی شرکت‌ها را

افزایش دهد. بنابراین در شرایطی که نرخ ارز افزایش پیدا می‌کند، شرکت‌هایی که بخش قابل توجهی از درآمد خود را از محل صادرات به دست می‌آورند، می‌توانند از این محل با افزایش درآمد ریالی مواجه شوند.

این موضوع در شرایط فعلی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، شرکت‌هایی که بخش قابل توجهی از درآمد خود را از محل صادرات به دست می‌آورند، می‌توانند از این محل با افزایش درآمد ریالی مواجه شوند.

این موضوع در شرایط فعلی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، شرکت‌هایی که بخش قابل توجهی از درآمد خود را از محل صادرات به دست می‌آورند، می‌توانند از این محل با افزایش درآمد ریالی مواجه شوند.

این موضوع در شرایط فعلی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، شرکت‌هایی که بخش قابل توجهی از درآمد خود را از محل صادرات به دست می‌آورند، می‌توانند از این محل با افزایش درآمد ریالی مواجه شوند.

این موضوع در شرایط فعلی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، شرکت‌هایی که بخش قابل توجهی از درآمد خود را از محل صادرات به دست می‌آورند، می‌توانند از این محل با افزایش درآمد ریالی مواجه شوند.

این موضوع در شرایط فعلی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، شرکت‌هایی که بخش قابل توجهی از درآمد خود را از محل صادرات به دست می‌آورند، می‌توانند از این محل با افزایش درآمد ریالی مواجه شوند.

توسعه علیه زیستن

پهوند خورده است. در روزهایی که توسعه‌زدگی بی‌ضابطه دامن‌گیر این دیار شده، خبر واگذاری مجموعه تاریخی، باغ و قنات فلاحی به یک نهاد حاکمیتی، چیزی جز تحدید کالای عمومی ناب و خط بطلان بر حق شهروندان بر شهر نیست.

قناتی که روزگاری نبض تمدن و زیست مشترک شهر بود و عمارتی که کانون حافظه جمعی چند نسل به شمار می‌رفت، اکنون قرار است پشت دیوارهای انحصار برسد. در همان حوالی، هم خبر دیگری برای هجوم جهل به تنگه ارغوان و ارتفاعات هانیوان برای ساخت پارک و تفرجگاه‌های مصنوعی شنیده می‌شود.

گویا تراثشیدن سپهرهای اکولوژیک زاگرس برای نشانیدن بتن و جدول، جانشین کردن یک سرمایه طبیعی زاینده با هزینه‌های سنگین نگهداری و تخریب بوم‌شناختی ارزش شده است، اتفاقی که در همین شهر با ساخت صدها واحد مسکونی در پارک و جوار دریاچه مصنوعی شهر اتفاق افتاد.

توان سرزمین و وجدان اخلاقی نسبت به خاک و تاریخ نشده‌اید، خاموش ماندن ماشین آلات و توقف کلنگ‌زنی‌ها، بزرگ‌ترین خدمت و بیشترین سود برای سرمایه ملی این کشور خواهد بود.

در نتیجه می‌توان گفت اثر تحریم بر بازار سرمایه یک اثر یک‌بعدی نیست. بخشی از شرکت‌ها ممکن است تحت فشار هزینه‌ها و محدودیت‌های تجاری قرار بگیرند، در حالی که گروه دیگری از شرکت‌ها می‌توانند از افزایش نرخ ارز، رشد درآمدهای ریالی صادراتی یا کاهش شرایط، افزایش نرخ تسعیر ارز می‌تواند در صورت ثبات سایر عوامل، اثر مستقیمی بر درآمد ریالی شرکت‌های صادراتی داشته باشد و در نتیجه بر سودآوری و ارزش‌گذاری سهام آنها اثر بگذارد.

از سوی دیگر، نباید اثر تحریم‌ها بر شرکت‌های تولیدکننده داخلی را نادیده گرفت. تحریم‌ها اگر چه از یک سو دسترسی اقتصاد به کالاها، مواد اولیه و تجهیزات خارجی را دشوار می‌کنند، اما از سوی دیگر می‌توانند با محدود کردن واردات، فضای بیشتری برای تولیدکنندگان داخلی ایجاد کنند. زمانی که رقایای خارجی به دلیل محدودیت‌های تجاری امکان حضور گسترده در بازار داخلی را ندارند، شرکت‌های ایرانی می‌توانند سهم بیشتری از بازار داخلی را در اختیار بگیرند.

البته این موضوع به معنای آن نیست که تحریم برای همه شرکت‌های داخلی مزیت ایجاد می‌کند، شرکت‌هایی که وابستگی بالایی به واردات مواد اولیه، قطعات، تجهیزات یا فناوری خارجی دارند، ممکن است با افزایش هزینه‌ها و مشکلات تأمین

مواجه شوند. بنابراین اثر تحریم باید برای هر صنعت و حتی هر شرکت به صورت جداگانه بررسی شود. در مقابل، شرکت‌هایی که زنجیره تولید داخلی قوی‌تری دارند، ممکن است از کاهش واردات و افزایش تقاضا برای محصولات داخلی منتفع شوند.

ادامه در صفحه ۷

گاهی بالاترین ارزش افزوده برای یک سرزمین، دست نخوردن و عدم مداخله است. وقتی سازوکار مدیریتی ارزش بقای یک ذخیره‌گاه طبیعی یا ارزش هویتی یک بنای کهن را درک نمی‌کنند، نشان می‌دهد که به علت بحران حکمرانی، پیش‌نیازهای اولیه هدایت جامعه به سوی آینده را از دست داده است. اگر توسعه به معنای ارتقای ظرفیت‌های پایدار انسانی، حفظ حقوق مشاعات و حرمت نهادن به محدودیت‌های بوم‌شناختی نیست، اگر توسعه تنها بهانه‌ای برای بازتوزیع رانت فضا، افتتاح‌های نمایشی و نابودی شاسنامه اقلیمی ایران است، مهار این روند تخریبی شرط لازم برای بقا و آینده ایران خواهد بود.

به نظر عقلانی‌ترین انتخاب اقتصادی و ملی در شرایط فعلی این است، دست نگه دارید! هیچ طرحی را مصوب نکنید، هیچ عرصه‌ای را واگذار نکنید و هیچ زیست‌بومی را برهم نزنید. تا روزی که مجهر به دانش توسعه، الگوی بومی متناسب با توان سرزمین و وجدان اخلاقی نسبت به خاک و تاریخ نشده‌اید، خاموش ماندن ماشین آلات و توقف کلنگ‌زنی‌ها، بزرگ‌ترین خدمت و بیشترین سود برای سرمایه ملی این کشور خواهد بود.

کارگران بدون حاشیه امن اقتصادی
از هزینه درمان تا شهریه مدرسه

کارگران در محاصره هزینه‌ها

فقر آموزشی؛ هزینه‌ای که خانواده‌های کارگری
برای نسل بعدی پردازند

صفحه ۸

بازار خودرو با آغاز پاییز
زیر سایه رکود و افزایش قیمت قرار دارد

مونتازي‌ها در صدر افزایش‌ها

تعادل | بازار خودرو در نخستین روزهای پاییز، همزمان با ادامه کودمعاملاتی، شاهدافزایش قیمت در بخشی از خودروهای داخلی و مونتازي بوده‌رندی که باوجود رشد قابل توجه قیمت برخی مدل‌ها هنوز نشانه‌ای از بازگشت رونق به معاملات نشان نمی‌دهد. بررسی قیمت خودروها از ابتدای سال تا پایان شهریور نیز نشان می‌دهد در بازار ...

صفحه ۷ | رايخوابند

رونق روی کاغذ، رکود در ساخت

ثبت ۵میلیون

قرارداد

در «خودنویس»

ثبت نزدیک به ۵میلیون قرارداد اجاره و خریدوفروش در سامانه «خودنویس» در شرایطی به عنوان یکی از دستاوردهای ساماندهی بازار مسکن مطرح می‌شود که بخش ساختمان کشور در بهار ۱۴۰۵ رشدنسبت ۶۴درصدی را تجربه کرده است؛ دو آماري که در کنار یکدیگر، تصویر متفاوتی از وضعیت بازار مسکن ارایه می‌کنند. از یک سو، میلیون‌ها قرارداد در یک سامانه رسمی ثبت شده، ۱۳۳ میلیون نفر به آن مراجعه کرده‌اند و به‌طور متوسط روزانه حدود ۱۰ هزار قرارداد در آن تکمیل می‌شود؛ از سوی دیگر، فعالیت اقتصادی بخش ساختمان در نخستین فصل سال جاری کاهش یافته است. این فاصله نشان می‌دهد که افزایش حجم قراردادهای الزاماً به معنای افزایش تولید، سرمایه‌گذاری و عرضه مسکن نیست. برای درک وضعیت بازار باید میان «بازار معاملات» و ...

صفحه ۵ | رايخوابند

یادداشت - ۴

رشد اقتصادی و ظرفیت‌های داخلی

سال‌هاست که بحث رشد اقتصادی در ایران به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سیاست‌ذاری تبدیل شده است، اما تجربه نشان می‌دهد رشد پایدار نه با تزییق منابع مقطعی و نه با اتکالی صرف به درآمدهای نفتی به دست می‌آید. در شرایطی که اقتصاد ایران همچنان با تحریم و محدودیت‌های خارجی روبه‌رو است، مهم‌ترین مزیت کشور فعال‌سازی ظرفیت‌هایی است که سال‌ها در داخل بلااستفاده مانده‌اند؛ ظرفیت‌هایی که می‌توانند هم‌اشتغال ایجاد کنند، هم وابستگی ارزی را کاهش دهند و هم درآمد ملی را افزایش دهند.



حسین راغفر

این مسئله به خصوص برای بورس اهمیت دارد، زیرا بازار سرمایه در کنار عملکرد شرکت‌ها، به جریان تولیدکنندگی نیز وابسته است. زمانی که سرمایه‌گذاران احساس کنند بازارهای ارز و طلا بازدهی سریع‌تر یا پوشش‌کننده تورمی مستقیم‌تری ارایه می‌کنند، امکان دارد بخشی از منابع از سهام خارج شود؛ بنابراین مدیریت انتظارات تورمی و جلوگیری از ایجاد شکاف شدید میان بازارهای مختلف می‌تواند در حفظ تعادل بازار سرمایه بومی شاد، سرمایه‌گذاری در احداث نیروگاه‌ها و توسعه زیرساخت انرژی می‌تواند یکی از سریع‌ترین مسیرهای حمایت از تولید باشد. وظیفه دولت نه دقیقاً در همین نقطه تعریف می‌شود؛ فراهم کردن زیرساخت‌هایی که بخش خصوصی بتواند بر پایه آن سرمایه‌گذاری کند.

مزیت دیگر ایران، موقعیت ژئوپلیتیکی آن است. توسعه شبکه ریلی و تکمیل کریدورهای حمل‌ونقل بین‌المللی می‌تواند کشور را به یکی از حلقه‌های اصلی تجارت منطقه تبدیل کند. درآمدهای ترانزیتی، کاهش هزینه حمل‌کالا و افزایش پیوندهای اقتصادی با همسایگان، ظرفیتی است که کمتر از توان واقعی آن مورد استفاده قرار گرفته است. سرمایه‌گذاری در حمل‌ونقل ریلی تنها یک پروژه عمرانی نیست، بلکه سرمایه‌گذاری برای افزایش درآمد ارزی و ارتقای جایگاه اقتصادی ایران در منطقه است. در کنار اقتصاد سنتی، آینده‌رشدنی به اقتصاد دیجیتال می‌رسد. سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین، به ویژه نرم‌افزار و فناوری‌های نوین می‌تواند هم وابستگی به واردات را کاهش دهد و هم فرصت‌های تازه‌ای برای اشتغال نیروهای متخصص ایجاد کند. اقتصاد قرن بیست‌ویکم پیش از هر زمان دیگری بر دانش و فناوری استوار است و ایران بدون حضور فعال در این حوزه، بخشی از فرصت‌های رشد را از دست خواهد داد.

با این حال، توسعه تنها با حمایت از سرمایه‌مکن نیست، بلکه نیازمند تغییر نگاه به بخش خصوصی است. سرمایه‌زمنانی واردات ماشین‌ها می‌شود که امنیت سرمایه‌گذاری، ثبات مقررات و رقابت عادلانه وجود داشته باشد.

ادامه در صفحه ۲